

## بررسی میزان احساس شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن<sup>۱</sup>

دکتر ابراهیم صالح‌آبادی<sup>۲</sup>

محمد ایزانلو<sup>۳</sup>

مصطفی حاج‌زاده<sup>۴</sup>

### چکیده:

شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسؤولیت‌ها منعکس می‌سازد و چهارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. بحث از کمیت و کیفیت این حقوق و تکالیف، امروزه حجم وسیعی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسأله را مطرح ساخته که تحقق شهروندی و به تبع آن توسعه در گرو شناخت مؤثر آن است. این مقاله به بررسی میزان احساس شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. برای تبیین شهروندی از نظریات اندیشمندان کلاسیک (مارکس، وبر و دورکیم)، مدرن (مارشال و پارسونز) و پست‌مدرن و ترکیبی (کیملیکا، هابرماس، ترنر، گیدنز و نظریه فمینیستی) استفاده شده است. روش تحقیق در این پژوهش از نوع پیمایشی بوده و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها به طریق مصاحبه‌ای می‌باشد. برای تحلیل داده‌ها نیز از رگرسیون دو متغیره، رگرسیون چندمتغیره و آنالیز واریانس متناسب با فرضیات تحقیق استفاده شده است. نتایج این تحقیق که از یک نمونه ۳۸۰ نفری، به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و از طریق فرمول کوکران از جامعه آماری ۳۰۷۳۹ نفری جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر بجنورد انتخاب شده‌اند، نشان می‌دهد که متغیرهای عام‌گرایی، انگیزش اجتماعی، همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها، تحصیلات فرد، حساسیت سیاسی و مدنی، نگرش به مشارکت، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال و قومیت بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته (احساس شهروندی) داشته‌اند. تحلیل چندمتغیره نیز نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل عام‌گرایی، نگرش به مشارکت و همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها به عنوان مهمترین متغیرها ظاهر شده‌اند.

**کلید واژه:** احساس شهروندی، جوانان، حقوق، وظایف، بجنورد.

۱- تاریخ وصول: ۹۰/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۰

۲- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه پیام‌نور abrahimsalehabadi@yahoo.com

۳- کارشناس ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی mohammad-22kya@yahoo.com

۴- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان mhajzade@yahoo.com

## ۱- مقدمه و بیان مسأله

مطالعه‌ی شهروندی در جامعه‌شناسی نسبتاً نوپاست، هرچند به عنوان یک مفهوم، موقعیت اجتماعی و مجموعه‌ای از کردارهای سیاسی، به جهان باستان بر می‌گردد. مدل شهروندی که در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ به وسیله‌ی تی.اچ. مارشال طرح شد و اکنون به عنوان نقطه‌ی شروعی کلاسیک برای هر بحثی در این موضوع در نظر گرفته می‌شود، تا دهه ۱۹۶۰ از نفوذ گسترده‌ای برخوردار نبود. اما از دهه ۱۹۸۰ شهروندی به موضوع مباحث گسترده‌ای در جامعه‌شناسی سیاسی تبدیل گشت (نشر، ۱۳۸۲، ۱۸۹).

موقعیت شهروند بر یک حس عضویت داشتن در یک جامعه گسترده دلالت دارد. این موقعیت کمکی را که یک فرد خاص به آن جامعه می‌کند می‌پذیرد، در حالی که به او استقلال فردی‌اش را نیز ارزانی می‌دارد. این استقلال در مجموعه‌ای از حقوق انعکاس می‌یابد که هر چند از نظر محتوا در زمان‌ها و مکان‌های مختلف متفاوت‌اند لیکن همیشه بر پذیرش کارگزاری و فاعلیت سیاسی دارندگان آن حقوق دلالت دارند. بنابراین ویژگی کلیدی معرف شهروندی که آن را از تابعیت صرف متمایز می‌کند وجود یک اخلاق مشارکت است. شهروندی نه یک موقعیت منفعلانه بلکه یک موقعیت فعالانه است (فالکس، ۱۳۸۱، ۱۳).

شهروندی پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسؤولیت‌ها منعکس می‌سازد و چهارچوبی برای تعامل افراد، گروه‌ها و نهادها ارائه می‌کند. بحث از کمیت و کیفیت این حقوق و تکالیف، امروزه حجم وسیعی از گفتارها و نوشتارها را به خود اختصاص داده و این مسأله را مطرح ساخته که تحقق شهروندی و به تبع آن توسعه در گرو شناخت مؤثر آن است. بنابراین «کارکرد اصلی شهروندی، اداره‌ی جامعه مطابق با اصول رعایت حقوق دیگران و تعهد به انجام امور در جهت حفظ نهادهای مشترکی است که این حقوق را برقرار و پایدار نگه می‌دارند» (فالکس، ۱۳۸۱، ۱۶۷).

آشنایی با حقوق و وظایف شهروندی در افزایش احساس مسؤولیت اجتماعی، اعتمادپذیری و تعهد مدنی جوانان مؤثر خواهد بود، چراکه تعهد مدنی بر توازنی که جوانان بین نفع خود (فردی) و دیگران (جمعی) قائل‌اند، استوار است. به عبارت دیگر سهیم‌دانستن خود در سرنوشت جمعی و ملاحظه خیر جمعی (برای منافع کشور یا بهبود جامعه) معرف تعهد مدنی به شمار می‌آید و در این زمینه اولویت‌ها، علائق و اهدافی که جوانان برای آینده خود ترسیم می‌کنند، مشخص می‌سازد که آنان تا چه اندازه نفع خود را با نفع عمومی یکی می‌دانند (ذکائی، ۱۳۸۲، ۲۱).

امروزه در تمام جوامع و نظام‌های سیاسی سخن از مشارکت فعال شهروندان است که همکاری بخش‌های دولتی، خصوصی و غیردولتی را توصیه می‌کند. مواردی از اینگونه مشارکت‌ها، هیأت‌های شهروندی هستند که موفقیت قابل ملاحظه‌ای را در بسیاری از کشورها، از جمله انگلستان، آلمان و آمریکا به دست آورده‌اند. این هیأت‌ها امکان مشورت و ارائه پیشنهاد به کارگزاران حکومتی در حوزه‌هایی نظیر بهداشت و آموزش را برای مردم عادی، فراهم می‌کنند. در حقیقت اعضای یک جامعه با آگاهی از حقوق

و مسؤولیت‌های خود و نهادهای موجود در جامعه به‌ویژه دولت در قالب هیأت‌های شهروندی و نظایر آن در عرصه‌های مختلف جامعه مشارکت می‌نمایند. بدین‌سان، شهروندی چهارچوب تعامل میان افراد، گروه-ها و نهادهای در قالب حقوق، مسؤولیت‌ها و تعهدات ارائه می‌کند (شیانی، ۱۳۸۴، ۱۶۴-۱۶۳). شهروندی از ابزارها و الزامات مهم «جامعه مدرن دموکراتیک» است و در شکل نوپدیدی که به خود گرفته است، پدیده‌ای مدرن و امروزی محسوب می‌شود (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰، ۳۳).

شهروندی با طرح این تقاضا که بایستی با همه افراد به طور برابر رفتار شود، می‌تواند ریشه‌های تنش اجتماعی را که نظم اجتماعی را تهدید می‌کنند، بخشکاند.

شهروندی به مدد مجموعه‌ی حقوق، وظایف و تعهداتش، راهی برای توزیع و اداره‌ی عادلانه منابع از طریق تقسیم منابع و مسؤولیت‌های زندگی اجتماعی ارائه می‌کند. بنابراین شهروندی ایده‌ای قوی و هویتی پویاست. شهروندان به عنوان کارگزاران همواره راه‌های جدیدی برای بیان شهروندی‌شان می‌یابند و برای شکل‌دادن به نیازها و آرزوهای در حال تغییر شهروند و جامعه به حقوق، وظایف و نهادهای جدیدی نیاز خواهد بود (فالكس، ۱۳۸۱، ۱۴ و ۱۵).

مطالعاتی که اخیراً در سطح بین‌المللی و با مشارکت ۲۰ کشور جهان انجام شده و تحت عنوان «مطالعات شهروندی» منتشر شده‌است، نشان می‌دهد که اغلب جوامع دارای این نگرانی عمیق هستند که چگونه کودکان، نوجوانان و جوانان خود را برای زندگی در جوامع معاصر آماده کنند و راه و رسم مشارکت در مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را به آنها بیاموزند.

در این گزارش که به عنوان یک سند مورد استفاده بسیاری از محققان و سیاستگذاران قرار می‌گیرد، همچنین آمده است که در کشورهای مختلف جهان بخش عظیمی از تحقیقات و منابع مصروف کشف این حقیقت می‌شود که شهروند مطلوب برای جامعه آنها باید دارای چه خصوصیتی باشد و چگونه می‌توان این ویژگی‌ها و صفات را در اقشار مختلف جامعه توسعه و گسترش داد (فتحی و اجارگاه و واجاری، ۱۳۸۱، ۹).

پیش‌فرض اصلی این پژوهش این است که احساس شهروندی مبنای عمل و تحقق واقعی آن است. از این‌رو، شناخت شرایط تحقق آن می‌تواند بر عمل شهروندی و به تبع آن بسترسازی برای توسعه دلالت کند.

اهداف تحقیق نیز شامل بررسی میزان احساس جوانان شهر بجنورد از حقوق و وظایف شهروندی و شناخت عواملی که بر میزان احساس جوانان شهر بجنورد از حقوق و وظایف شهروندی مؤثر هستند.

در نتیجه سؤالات پژوهش حاضر عبارتند از اینکه احساس شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد به

چه میزان است؟ و چه عواملی بر میزان احساس شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد مؤثر هستند؟

## ۲- پیشینه پژوهش

تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در استان لرستان: محقق در این تحقیق ۵ فرضیه را می‌خواهد بررسی کند:

- ۱- میزان آگاهی از شهروندی تابع ویژگی‌های افراد در جامعه است.
  - ۲- میزان آگاهی از شهروندی تابع حضور افراد در عرصه‌های عمومی جامعه است.
  - ۳- میزان آگاهی از شهروندی تابع نگرش‌های افراد در جامعه است.
  - ۴- میزان آگاهی از شهروندی تابع منابع و امکانات جامعه است.
  - ۵- میزان آگاهی از شهروندی تابع فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی در جامعه است.
- در ادامه محقق میزان آگاهی از حقوق شهروندی را ۵۹ درصد در حد متوسط و میزان آگاهی از وظایف شهروندی را ۶۴ درصد برآورد کرده‌است. براساس یافته‌های تحقیق؛ جنس، سن، همبستگی میان اقوام و اعضای جامعه، وجود منابع و دسترسی به امکانات، افزایش سطح تحصیلات و پیگیری اخبار و مسائل مربوط به کشور در آگاهی از حقوق و وظایف شهروندی مؤثر می‌باشند. در میان نگرش‌ها نیز، نگرش مثبت به مشارکت در امور مختلف جامعه دارای رابطه مستقیم و معنادار با متغیر وابسته می‌باشد. همچنین افرادی که در ابعاد مختلف به هنجارهای عام اعتقاد داشته، از میزان آگاهی بیشتری نسبت به حقوق و وظایف شهروندی برخوردار بوده‌اند. در بعد کلان نیز منابع و امکانات شهری و فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی بر متغیر وابسته مؤثر بوده‌اند. محقق در ادامه به این نتیجه می‌رسد که از یک‌سو شهروندی تابع آگاهی و شناخت درامور مختلف، تجارب و مهارت‌ها، وضعیت رفاهی، خصیصه‌های فردی و حضور در عرصه‌های عمومی و از سوی دیگر نیازمند منابع و فرصت‌ها و بسترهای اجتماعی مناسب است. از این‌رو براساس تحقیق، عناصر مهم شهروندی، تأمین نیازها و خواسته‌ها، آگاهی و آموزش، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی و سیاسی است.

## ۳- جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی

هدف از این پژوهش روشن‌ساختن این نکته است که جوانان چه تصویری از شهروندی و نقش‌های ملازم با آن دارند، شهروند ایده‌ال را چگونه تعریف می‌کنند و چه حقوق و وظایفی برای آن متصور هستند و تا چه اندازه خود را به عنوان «بازیگران اجتماعی و سیاسی در جامعه» سهیم می‌دانند. بخشی از سؤالات تحقیق، پیرامون مسئولیت‌ها و انتظارات جوانان به عنوان «شهروندان» و نیز زمینه‌هایی است که موجب ارتباط و یا عدم‌ارتباط آنها با جامعه بزرگتر می‌گردد. طیف‌های مختلف جوانان نمونه، مفهوم‌سازی متفاوتی از شهروندی و معرف‌های آن عرضه کردند. به‌علاوه هر کدام از آنان عوامل مختلفی را مانع پذیرش احساس، ارتباط و عمل شهروندی خویش می‌دانستند. آگاهی و میزان تحصیلات جوانان نیز از جمله

متغیرهای زمینه‌ای بود که با درک آنها از مفهوم شهروندی و وظایف و انتظارات همبسته با آن رابطه معنی‌داری نشان می‌داد. همچنین متغیر تحصیل با علاقه و یا تمایل به مشارکت فعالانه دورکیم در عرصه‌های اجتماعی رابطه نشان داد. تصویرسازی از حقوق و وظایف شهروندی همچنین با جنسیت ارتباط داشت. برای مردان جوان وجه حقوقی شهروندی و برای دختران بعد ارتباطی و همبستگی شهروندی و تعهداتی که به عنوان یک «عضو اجتماعی نسبت به جامعه» دارند، از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

#### ۴- تربیت شهروندی

محقق پنج الگوی تربیت شهروندی را براساس نگرش‌های معاصر تربیت مدنی معرفی می‌کند: دسته اول نگرش افرادی است که به آموزش اصول دموکراسی در تربیت شهروندی تأکید می‌ورزند و معتقدند که آموزش حقوق و ارزش‌های دموکراتیک برای همه شاگردان لازم است.

دسته دوم به روش‌های آموزشی تربیت شهروندی، نظیر بحث آزاد کلاسی، نظرسنجی از شاگردان در بخش‌های گوناگون برنامه درسی، روش حل مسأله گروهی، فرضیه‌سازی اندیشمندانه و تفکر انتقادی توجه دارند.

دسته سوم، نگرش افرادی است که اینگونه روش‌ها را شدیداً مورد انتقاد قرار می‌دهند و اعتماد به بحث و تصمیم‌گیری را به عنوان روش‌های مناسب کلاسی نقد می‌کنند.

دسته چهارم نظریه‌پردازانی هستند که به توسعه، حساسیت فرهنگی بیشتر و تربیت شهروندی فراگیر توجه دارند و نیاز به بازنمایی مسائل جامعه و سهم مشارکت افراد، اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی در اصلاح جامعه تأکید می‌ورزند.

دسته پنجم به تربیت شهروندی در صحنه گسترده‌تر مشارکت اجتماعی و نقش مشارکت‌های سیاسی در رشد شهروندان تأکید می‌ورزند. محقق سپس مفهوم شهروندی را کالبدشکافی کرده و بیان می‌کند که مفهوم شهروندی حداقل شامل چهار عنصر هویت ملی، تعلقات اجتماعی، فرهنگی و فراملیتی، نظام اثربخشی حقوقی و مشارکت سیاسی و مدنی است. این مفاهیم دارای یک ارتباط نظام‌دار با یکدیگر و با مفهوم اصلی شهروندی می‌باشند. در این پژوهش محقق به دنبال پاسخ به دو سؤال می‌باشد:

۱- از دیدگاه معلمان مدارس، یک شهروند خوب در جامعه ایرانی باید دارای چه ویژگی‌هایی

باشد؟

۲- برنامه‌های درس‌مداری به چه میزان با این ویژگی‌ها انطباق دارند؟

در ادامه محقق بر اساس فرضیه‌های تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند:

۱- از بین ویژگی‌های شهروند خوب دو مورد توانش مدنی و دانش مدنی معنی‌دار و نگرش مدنی

معنی‌دار نمی‌باشد.

- ۲- یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین نگرش‌های معلمان علوم اجتماعی و غیرعلوم اجتماعی در زمینه ویژگی‌های شهروند خوب وجود ندارد.
- ۳- در فرضیه سه، یافته‌ها نشان می‌دهند که تفاوت معنی‌داری بین نمونه‌های مذکر و مؤنث در زمینه انطباق برنامه‌های درسی در مرحله طراحی با ویژگی‌های شهروند خوب وجود ندارد. در حالی که در مرحله اجرا و ارزشیابی این تفاوت معنی‌دار می‌باشد.
- ۴- فرضیه چهار نیز معنی‌دار نمی‌باشد یعنی بین نظرات معلمان علوم اجتماعی و غیر علوم اجتماعی در زمینه انطباق برنامه‌های درسی با ویژگی‌های شهروند خوب تفاوت معنی‌دار وجود ندارد.

#### ۵- بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری‌های ایران

در این تحقیق، محقق دو مسأله کلیدی را مدنظر دارد:

- ۱- آیا در نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران تمهیدات حقوقی - قانونی که متناسب با پروژه جامعه مدنی و شهروندی باشد، دیده شده است؟
- ۲- آیا در نظام مدیریت شهری و نظام حقوقی شهری ایران تمهیدات حقوقی - قانونی که متناسب با پروژه جامعه مدنی محلی و شهری باشد دیده شده است؟
- سپس محقق با توجه به موضوع تحقیق تنها سؤال دوم را مورد بررسی قرار می‌دهد. یعنی آیا در گفتمان حقوقی نظام مدیریت شهری ایران و قانون شهرداری‌ها، که می‌توان آن را برجسته‌ترین و مهمترین مستند حقوقی - قانونی این نظام حقوقی دانست، روح شهروندی محلی یعنی رکن استقرار و تثبیت جامعه مدنی محلی و شهری حضور دارد یا نه و می‌پرسد:
- ۱- روح گفتمان قانون شهرداری‌ها چگونه است؟ و چه ویژگی‌های دارد؟
- ۲- روح مفصل‌بندی قانونی شهرداری‌ها چه ویژگی‌های دارد؟

از لحاظ نظری شهروندی در دو سطح قابل واری است: سطح مفهومی شهروندی و سطح پدیداری شهروندی که این تحقیق با سطح مفهومی شهروندی سر و کار داشته است. بررسی جایگاه شهروندی در مجموعه قوانین و مقررات شهرداری‌ها و مقایسه آن با مدل تحلیل (حقوق و وظایف دو سویه شهرداری‌ها و شهروندان) نشانگر فقدان شهروندی و غیبت شهروندی در نظام حقوق شهری ایران و به‌ویژه قانون شهرداری‌ها است.

یکی گرفتن شهروند و شهرنشین در قانون شهرداری‌ها و گفتمان حقوقی حاکم بر این قانون می‌تواند نشانگر این باشد که قانون شهرداری‌ها نتوانسته است روح شهروندی و معنا و مفهوم آنرا درک کرده و بپذیرد. در مفصل‌بندی حقوقی قانون شهرداری‌ها رابطه اعضای جامعه محلی و شهرداری‌ها بسته به نوع و ماهیت موضوع حقوقی این اعضا، هویت‌های حقوقی گوناگونی پیدا می‌کنند که هیچ‌کدام ناظر به هویت

حقوقی شهروندی نیست. در مجموع باید گفت که قانون شهرداری‌های کنونی و مورد عمل که از حیث حقوقی نیز دارای اعتبار قانونی و ضمانت اجرای حقوقی است، به هیچ‌وجه بازتابنده روح شهروندی مدرن نیست.

#### ۶- شهروندی، قومیت و هویت: پاکستانی‌های مقیم انگلیس بعد از حوادث ۲۰۰۱

محقق شهروندی را به عنوان یک هویت در میان پاکستانی‌های مقیم انگلیس در برادفورد بعد از حوادث ۲۰۰۱، با استفاده از داده‌های توصیفی بررسی می‌کند. حوادث ۲۰۰۱، موفقیت‌های سیاسی احزاب ملی بریتانیا و وقایع بعد از ۱۱ سپتامبر، مسلمانان پاکستانی مقیم انگلیس را در میان تضادهای سیاسی ملی حول شهروندی، هویت‌های ملی و تابعیت در دولت قرار داد. محقق از طریق مصاحبه با دو نسل اول و دوم پاکستانی‌های مقیم انگلیس بررسی کرده که شهروندی به عنوان یک شکل از هویت چگونه به‌وسیله آنها در رابطه با هویت ملی، اسلام و قومیت مفهوم‌سازی شده‌است. نسل دوم یک هویت انگلیسی قوی همانند شهروندان انگلیسی با حق طبیعی همانند کسی که در انگلیس به دنیا آمده است را دارند. در مقابل مهاجران نسل اول از پاکستان بیان کرده‌اند هویتشان همانند ساکنینی (زندگی می‌کنند اما به کشور خارجی وابسته نیستند) که مانده‌اند می‌باشد، زیرا بچه‌هایشان اکنون انگلیسی هستند (Hussin and Bagguley, 2005).

#### ۷- شهروندی و مسلمانان بریتانیا

جامعه مورد مطالعه این تحقیق مسلمانان متولد بریتانیا است و توجه اصلی به نسل‌های دوم و سوم مسلمانان مهاجر به این کشور معطوف شده‌است. گروه مطالعه این تحقیق مسلمانان ساکن در منطقه برنت لندن می‌باشند. یکی از مسائل عینی شهروندی، احساس تعلق اجتماعی به فرهنگ، آداب و رسوم و ... یک کشور است. تجلی عینی‌تر این احساس این است که یک شهروند، مرز و بوم خود را خانه اصلی خود بداند. این احساس به طور طبیعی در میان جامعه مهاجران، احساس ضعیفی است. میزان ضعف و قوت این احساس بستگی دارد به میزان تعلق یک مهاجر به سرزمین بومی و میزان پذیرش جامعه مهمان. عامل فقر و ثروت و همچنین عقب‌افتادگی و پیشرفت، می‌تواند نقش مهمی در رضایت‌مندی و تعلق اجتماعی جامعه مهاجران داشته باشد.

از مجموع مطالعات انجام‌شده در قسمت پیشینه تحقیقی می‌توان عوامل مؤثر بر شهروندی و احساس شهروندی را به شش دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱. پایگاه اقتصادی و اجتماعی فرد (جنسیت، قومیت، پایگاه اقتصادی خانواده، تحصیلات فرد، تأهل)

۲. حضور در عرصه عمومی و مشارکت با نهادها و انجمن‌های مدنی
۳. نگرش و تمایلات فرد به مشارکت در جامعه
۴. عامگرایی فرد
۵. تمایلات سیاسی فرد با دیگران
۶. انگیزش اجتماعی

#### ۸- چهارچوب نظری تحقیق

مارکس نگرش اجتماع‌گرایانه قابل‌اتکاتری در مورد شهروندی ارائه می‌دهد. این بدان دلیل است که او می‌خواهد به فراتر از ظاهر شهروندی نظر بیان‌دازد و به این موضوع بپردازد که چگونه بستر یک دولت سرمایه‌داری معنای شهروندی را به عنوان تجلی حیات جمعی و اشتراکی از بین می‌برد. از این‌رو است که برنشتاین، مارکس را نه مخالف حقوق بلکه تنها مخالف محدودیت‌هایی می‌داند که حقوق لیبرال بر مشارکت سیاسی و اجتماعی تحمیل می‌کنند (فالكس، ۱۳۸۱، ۱۰۳-۱۰۲).

این استدلال که مارکس معتقد بود برای معنادار شدن شهروندی سیاسی نفوذ آن باید به جامعه مدنی نیز برسد تفسیر قابل‌قبولی از آثار اولیه مارکس است، اما مارکس به‌ویژه در آثار بعدی‌اش بر برداشت خودش از افسانه جمهوری‌خواهی تصریح نمود. او با آرمان‌سازی از طبقه کارگر به عنوان ابزار تغییر جامعه و رهنمون‌ساختن آن از رذایل سرمایه‌داری به فضایل کمونیسم از درک این نکته ناکام ماند که هر اقدام انقلابی که از خشونت استفاده کند و درصدد خردکردن بخشی از جامعه بورژوازی برآید محکوم به شکست است. نظریه مارکس حاوی یک جنبه ضد سیاسی (اقتدارگرایانه) نیز هست، به طوری که او از توانایی تحول‌آفرینی شهروندی غفلت می‌کند و در عوض به نیروی غایت‌انگاران تاریخ تکیه می‌نماید (فالكس، ۱۳۸۱، ۱۰۴).

در دیدگاه وبر، شهروندبودن به معنای توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت‌داشتن درانتخاب رهبران بود. وبر مسلم می‌دانست که فرآیند دموکراتیک‌شدن یکی از روندهای اصلی توسعه جهان مدرن است، که مثلاً در جنبش حق رأی تقاضا برای برپایی نظام‌های سیاسی چندحزبی، درخواست انتخاب منصفانه و گسترش نقش مجامع قانون‌گذار انتخابی مشاهده می‌شود (کیویستو، ۱۳۸۴: ۸۶). ماکس وبر اعتقاد داشت «شهروندی فقط در مغرب زمین یافت می‌شود زیرا فقط در غرب شهرهایی با این ویژگی‌ها به وجود آمده و تمدن‌های شرقی چون چین، هند و خاورمیانه فاقد چنین مفهومی هستند» (شیانی، ۱۳۸۱، ۶۳).



دورکیم یک دید صنفی به شهروندی دارد، او بیان می‌کند چنانچه کسی بتواند نقش تخصصی در یک سیستم پیچیده وابستگی‌های مبتنی بر کار پیشرفته ایفا کند می‌تواند مدعی شهروندی باشد (یتمن، ۱۳۸۱، ۱۳۰). دورکیم در اخلاق حرفه‌ای و اخلاقیات مدنی می‌گوید که فردیتی که حقوق موجد آن هستند فردیتی اخلاقی است که تنها با بلوغ اشخاص منفرد در چهارچوب اخلاقیات هر جامعه خاص پدیدار می‌گردد. مؤلفه‌های شناختی، اخلاقی و عاطفی فردیت، همه باید شکل بگیرند تا کنشگر منفرد مستقلی را به وجود آورند که توانایی پذیرش حقوق را داشته باشد. این مؤلفه‌ها منبعث از فردیت طبیعی نیستند بلکه از فردیتی حاصل می‌شوند که حیات درونی‌اش از رهگذر درونی‌سازی آموزش شناختی، اخلاقی و عاطفی توسط کنشگران دیگری که فرد با آنان در تعامل بوده است، تحول یافته، غنی می‌شود. از این که این آموزش، فرد مستقلی را به وجود آورد که بخواهد کنشگری باحق تعیین سرنوشت، نسبت به اجتماعی از کنشگران دارای حق تعیین سرنوشت باشد، بستگی به فرهنگ مشترکی دارد که به سوی ارزش‌های مهمی نظیر حقوق فردی، مشارکت دموکراتیک و نهادهایی که برای حفظ آنها لازم‌اند جهت‌گیری کرده باشد. از این رو، شکل‌گیری فردیت اخلاقی، هم به فرهنگ دموکراتیک مشترک و هم به نهادینه‌سازی ایجابی این فرهنگ بستگی دارد (یتمن، ۱۳۸۱، ۱۶۲).

توماس مارشال جامعه‌شناس انگلیسی، شهروند مدرن در کشورهای صنعتی را تحقق مراحل مختلف روند دموکراتیک در این جوامع، طی سه قرن اخیر دانسته‌است. در قرن هیجدهم حقوق مدنی اساسی‌ترین خواست شهروندی در این جوامع بود که به موجب آن «شهروندی ملی» یعنی حقوق برابر شهروندان در برابر قانون، آزادی داشتن عقیده و بیان، آزادی تشکیل اجتماعات، حق مالکیت و حق برخورداری از عدالت و سایر آزادی‌های فردی طرح و برای تحقق آن مبارزه شد. قرن نوزدهم، قرن مبارزه برای تحقق حقوق سیاسی گروه‌ها و طبقات اجتماعی یا «شهروندی سیاسی» بود که در آن مبارزه برای حق رأی برابر و نیز مبارزه برای تشکیل و قانونی‌شدن نهادهای صنفی و سیاسی مدرن جنبه برجسته یافت. سرانجام در قرن بیستم روند تحقق اندیشه‌های دموکراتیک در قالب تلاش برای احقاق حقوق اجتماعی برابر برای شهروندان یعنی «شهروندان اجتماعی» جنبه اساسی و مهم پیدا کرد. تلاش برای برخورداری از حق حداقل رفاه اقتصادی و امنیت، حق سهم‌شدن به طور کامل در میراث اجتماعی و همچنین حق زیستن به مانند یک موجود متمدن، حقوق مساوی در زمینه‌ی آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و سایر مزایای اجتماعی و رفاهی، اساسی‌ترین نیروی محرکه برای فعالیت‌های عدالت‌طلبانه تبدیل شد (سپهری، ۱۳۸۰، ۴۰؛ ترنر، ۱۳۸۴، ۳۰).

در کنار سه عنصر شهروندی مارشال، مجموعه‌ای از نهادها همچون دادگاه‌ها، پارلمان، شوراهای حکومت محلی، نظام آموزشی و خدمات اجتماعی وجود داشتند که به این حقوق نمود اجتماعی می‌دادند (ترنر، ۱۳۸۴، ۳۰).

جدول ۱- عناصر شهروندی و نهادهای مربوطه

عناصر شهروندی	تعریف	نهادهای مربوطه
حقوق مدنی	حقوق ضروری برای آزادی افراد- آزادی شخصی، آزادی بیان، اندیشه و اعتقاد، حق مالکیت خصوصی و انعقاد قراردادهای معتبر، و حق برخورداری از عدالت-	دادگاه ها و محکمه ها
حقوق سیاسی	حق مشارکت در اعمال قدرت سیاسی به عنوان یک عضو از جامعه چه به عنوان یک منتخب و چه به عنوان رای دهنده	پارلمان وانجمن های حکومت محلی
حقوق اجتماعی	حق داشتن حداقلی از رفاه اقتصادی و امنیت	سیستم آموزشی و خدمات اجتماعی

(De.La.Paz.2005)

نظریه مارشال بر آثار جامعه‌شناسان به‌ویژه جامعه‌شناسان آمریکایی تأثیر زیادی داشت، اما پارادایم مارشال از سوی مراجع مختلف لیبرال، مارکسیست و محافظه‌کار مورد حمله قرار گرفته‌است. این انتقادات زیربنای ارائه نظریه‌های جدیدی گردیده که گاه با مدل‌های مفهومی لیبرالیسم و جمهوری‌خواهی نیز همپوشی دارد (شیانی، ۱۳۸۱، ۶۶؛ ترنر، ۱۳۸۴، ۳۰).

موضوع شهروندی در آثار پارسونز بیش از هر چیز در نوشته‌های او درباره نژاد و قومیت آشکار است. مثلاً پارسونز در مقاله‌ای مؤثر درباره جنبش حقوق مدنی، کوشید چهارچوب نظری کلی خود را برای ارزیابی دورنمای «شهروندی کامل» برای آمریکائیان آفریقایی تبار به کار گیرد (کیویستو، ۱۳۸۴، ۹۸).

پارسونز با تبیین نظری گسترش مفهوم شهروندی در دولت دموکراتیک، به قضیه آمریکائیان آفریقایی تبار در دوره اوج جنبش حقوق مدنی پرداخت. او دو موضوع مربوط به یکدیگر را مطرح کرد:

۱- عوامل تاریخی که مانع اعطای شهروندی کامل به آمریکائیان آفریقایی تبار می‌گردد.

۲- نیروهایی که ظاهراً موافق در نظر گرفتن آنها در حکم شهروند کامل بودند.

در مورد موضوع اول، این پرسش‌ها را مطرح کرد:

۱- چه چیزی مانع از بهره‌مندی سیاهان از مزایای شهروندی کامل شده‌است؟

۲- چرا آنها به موقعیت «شهروندی درجه دوم» تنزل یافته‌اند؟

۳- چه توضیحی می‌توان برای تبیین این واقعیت داد که چندین قرن است این گروه به گونه‌ای

نظام‌یافته از مزایای مشارکت کامل در آنچه که پارسونز «هیأت اجتماع» می‌نامد محروم گردیده‌است؟

پاسخ پارسونز بر موضوع ارزش‌های فرهنگی تکیه داشت و تبیین‌هایی را که بر عوامل مشخصاً اقتصادی یا سیاسی تکیه می‌کردند نادیده می‌گرفت. او استدلال می‌کرد که سیاهان از اجتماع طرد گردیده‌اند. زیرا مانند یهودیان و کاتولیک‌ها در گذشته ارزش‌های آنان متضاد با ارزش‌های اساسی آمریکایی به حساب می‌آید. بنابراین آنها را سزاوار پذیرفته‌شدن در جامعه آمریکایی نمی‌دانستند. این واقعیت که تا قرن بیستم بیشتر سیاهان در جنوب زندگی می‌کردند، بخش مهمی از این استدلال بود که چرا آنها زمانی چنین دراز از جامعه طرد گردیده بودند. زیرا به عقیده پارسونز، جنوبی منطقه‌ای جدا افتاده بود که ارزش‌های

کهنه را همچنان نگاه داشته بود. از همه مهمتر، ارزش‌های جنوبی‌ها با گرایش‌های کل جامعه به دید فراگیرتر درباره شهروندی مغایرت داشت. با گذشت زمان، این ارزش‌های کهنه از نظر تاریخی زوال خواهند یافت، تاجایی که دیگر نمی‌توانند مانع راه‌بابی کامل آمریکائیان سیاه‌پوست به توده شهروندان آمریکایی شوند (کیویستو، ۱۳۸۴، ۱۰۰-۹۹).

شهروندی از نگاه هابرماس در اصل به معنای عضویت سیاسی در یک دولت - ملت خاص بوده که در حقوق بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است (کاستلزو دیویدسون، ۱۳۸۲، ۲۱۱). هابرماس یک مبنای جایگزین برای شهروندی ارائه می‌دهد که آن را «میهن‌پرستی قانونی» می‌نامد. این اصطلاح به پرورش احساس تعهد میان اعضای یک جامعه سیاسی اشاره دارد که یک موجودیت شدیداً سیاسی است و نه فرهنگی. مرزها صرفاً برای مقاصد اداری هستند و نباید برای اشاره به نقطه مرزی یعنی محل پایان تعهدات و آغاز سوءظن‌ها مورد استفاده قرار گیرند. امتیاز میهن‌پرستی قانونی این است که میان شهروندان تعهدی به نهادهای حکومتشان ایجاد می‌کند بدون اینکه مجبور باشند به یک وحدت فرهنگی جعلی و نادرست تکیه کنند. او بیان می‌کند که یک گام مهم در جهت مدیریت مشکلات جوامع سیاسی که هر روز ناهمگون‌تر می‌شوند تبدیل شهروندی به یک مفهوم صرفاً سیاسی و جدا از مفاهیم مغشوش و غیرواضح فرهنگ، قومیت و ملت است و شهروندی مستلزم این است که همه اعضای یک جامعه در نهادهای حکومتی‌شان مشارکت نموده و به آنها وفادار باشند (فالكس، ۱۳۸۱).

ترنر به جای تعریف شهروندی در چهارچوبی ایستا از حقوق و تکالیف، آن را به عنوان یک فرآیند تعریف می‌کند. شهروندی هم فرآیندی دربرگیرنده است که منابعی را بازتوزیع می‌کند و هم فرآیندی پردکننده که هویت‌هایی را مبنای همبستگی مشترک یا تصویری می‌سازد. حق احراز شهروندی علاوه بر فراهم‌آوردن معیارهای توزیع منابع کمیاب، در عین حال هویت‌های نیرومندی را پدید می‌آورد که نه تنها هویت‌های حقوقی بلکه نوعاً دارای فرض‌هایی درباره قومیت، دین و جنسیت هستند (ترنر، ۱۳۸۴، ۳۲).

ترنر سه حق شهروندی فراملی (حقوق اکولوژیکی، بومی و فرهنگی) را به عنوان هم‌سنگ مراحل سه‌گانه شهروندی ملی مارشال بر می‌شمرد. این حقوق جدید چه به لحاظ مفهومی و چه به لحاظ تاریخی به وسیله مخاطرات مرتبط با تجسد انسان در نظام جهانی با هم پیوند دارند. ترنر بیان می‌کند: اولاً این اشکال جدید شهروندی به طور مشخص در دولت‌های ملی قرار نگرفته‌اند و معمولاً با قوانین حقوق بشر مرتبط هستند تا با حقوق مدنی. جوامعی که حامی این حقوق می‌باشند به جای محلی و مستحکم‌بودن، جهانی، مجازی و سست هستند. ثانیاً این حقوق به واسطه مسائل اجتماعی مرتبط با فشارها و تغییرات جهانی پدید آمده‌اند و بدین‌معنا فراملی محسوب می‌گردند و نهایتاً به لحاظ مفهومی دارای ارتباط متقابل می‌باشند، به این دلیل که از یک مسأله مشترک جامعه مدرن یعنی رابطه بین بدن انسان و محیط زیست ایجاد شده‌اند (ترنر، ۱۳۸۴، ۴۸). او در کتابش استقلال هر چه بیشتر شهروندی ناحیه‌ای و محلی‌گرایی و

هم حرکت به سوی تصور جهانی از مسئولیت سیاسی را ذکر می‌کند. او سپس بیان می‌کند که ما باید یک چهارچوب مفهومی جدید را توسعه دهیم که بر ایده‌های جدید از شهروندی در کل جهان دلالت داشته باشد. مفهوم شهروندی می‌تواند دوباره مورد بررسی قرار گیرد و مانند آنچه در کشورهای پیچیده قومیتی و در کشورهای توسعه‌یافته ظاهر شده است باشد (Turner, 1990).

شهروندی یک مثال عالی از چیزی است که آنتونی گیدنز آن را دوگانگی ساختاری نامیده است. از نظر گیدنز نمی‌توان فرد و جامعه را دقیقاً به عنوان ایده‌هایی مخالف و دشمن یکدیگر درک نمود. در عوض، کارگزاری فرد و کردارهای اجتماعی به طور متقابل به هم وابسته‌اند. فرد از طریق اعمال حقوق و تعهدات، شرایط ضروری شهروندی را بازتولید می‌کند (فالكس، ۱۳۸۱، ۱۵). گیدنز همچنین بر نقش مبارزات اجتماعی تأکید می‌کند و تغییر اجتماعی را مؤثرتر از اداره و سازمان‌دهی به شمار می‌آورد و خاطر نشان می‌کند «مبارزات جنبش‌های کارگری برای اصلاح شرایط اقتصادی طبقه کارگر و تحقق بخشیدن به حقوق شهروندی، تا حد بسیار زیادی به تغییر خصیصه‌های جوامع سرمایه‌داری غرب کمک کرده است». وی چهار ارزش را محور برنامه‌های دموکراتیک معرفی می‌کند: عدالت اجتماعی، آزادی، برابری و انسجام اجتماعی و معتقد است اگر ارزش‌هایی در جامعه و در میان افراد وجود دارد بایستی زمینه‌ها و فرصت‌های رسیدن به آنها هم به وجود آید. بنابراین یک نظریه درخور درباره شهروندی باید سطوح مختلف فردی و ساختاری را در بر بگیرد و مبارزات اجتماعی را با توسعه شهروندی مورد توجه قرار دهد (شیانی، ۱۳۸۱، ۶۸).

چشم‌انداز شهروندی کیملیکا ترکیبی از نگرش مدرن و پست‌مدرن است. بحث چندفرهنگی کیملیکا ناظر به ضرورت اعطای شهروندی به تمامی گروه‌های اجتماعی و اقلیت‌های فرهنگی می‌باشد (نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، ۳۹). او از یک شهروندی متمایز دفاع می‌کند و به نفع چیزی استدلال می‌کند که آن را «شهروندی چندفرهنگی» می‌نامد که اهمیت فرهنگ را برای احساس شأن و هویت فرد به رسمیت می‌شناسد (فالكس، ۱۳۸۱، ۱۱۷). با توجه به اهمیت بستر فرهنگ ملی برای شهروندی، کیملیکا این موضوع را ضروری می‌داند که جامعه سیاسی از همه فرهنگ‌های قومی که برای اعضایش مهم هستند، حمایت کند، بدین‌منظور کیملیکا سه حقوق گروهی را مدنظر دارد:

اول، حقوق خودگردانی که در بردارنده واگذاری اختیارات به اقلیت‌ها درون دولت است. این حق احتمالاً به نوعی نظام فدرال می‌انجامد.

دوم، حقوق چندقومی هستند که از طریق کمک مالی قانونی و عمومی به فرهنگ‌های اقلیت از هویت گروهی حفاظت می‌کنند.

سوم، حقوق نمایندگی خاص هستند که نمایندگی تضمین شده‌ای را به اقلیت‌ها در نهادهای سیاسی جامعه می‌دهند. حقوق خودگردانی به وضوح گسترده‌تر هستند و یک قدم با جدایی فاصله دارند. اما

حقوق چندقومی و نمایندگی به طور روشن تری جذب اقلیت‌ها درون جامعه سیاسی را در بردارند اما نه از طریق نفی تفاوت‌های فرهنگی بلکه از طریق پذیرش این تفاوت‌ها به عنوان بخش ضروری یک دولت چندفرهنگی با ثبات (فیتزپتریک، ۱۱۹-۱۱۸).

به عقیده فمینیست‌ها زنان به شیوه کاملاً متعارض از حقوق شهروندی محروم شده‌اند. اول اینکه زنان هنگامی که باید حقوقی مانند حقوق مردان داشته باشند به عنوان جنس مخالف مورد تبعیض قرار گرفته‌اند. دوم اینکه وقتی رفتار متمایزی می‌تواند تساوی کاملی را ایجاد کند زنان مانند مردان تلقی شده‌اند. در چنین مواردی تفاوت‌های فیزیکی و تاریخی مورد غفلت واقع می‌شوند و این امر زنان را از مشارکت واقعی در نهادها و اقداماتی که به تناسب مردان ایجاد شده‌اند، باز می‌دارد، هر چند آنها از حقوق رسمی برای چنین مشارکتی برخوردارند. سوم اینکه بعضی از حقوق شهروندی، به ویژه حقوق اجتماع، به گونه‌ای متفاوت به زنان و مردان اعطا شده‌اند و در چنین مواردی با زنان به عنوان شهروندان پست تر رفتار می‌شود.

به عقیده فمینیست‌ها تناقضات و ناسازگاری‌های شهروندی زنان بر این برمی‌گردد که شهروندی آنان فرع بر شهروندی مردان ایجاد شد.

در گذشته فمینیست‌ها بیشتر مبارزاتشان را به منظور یکسان‌شمردن زنان با مردان انجام می‌دادند تا به این طریق آنها نیز از همان حقوق، از جمله حق مشارکت در زندگی عمومی و حفاظت از آنها در حوزه خصوصی برخوردار گردند.

مورد اول و دوم در چهارچوب حقوق مدنی قرار می‌گیرند و مورد سوم تبعیض مربوط به حقوق اجتماعی متمایز جنسیتی می‌باشد.

جدول ۲- طرح کلی نظریه شهروندی

نظریه پردازان کلاسیک	نظریه پردازان مدرن	نظریه پردازان پست مدرن و فمینیستی	نظریه پردازان ترکیبی
شهروندی انقلابی مارکس	شهروندی‌های مدنی، سیاسی و اجتماعی مارشال	شهروندی جنسیتی، بالفعل، حقیقی یونگ و لیستر	شهروندی چندفرهنگی ویل کیملیکا
شهروندی عقلانی وبر	شهروندی اجتماعی مدرنیستی پارسونز		شهروندی حوزه عمومی هابرماس
شهروندی مدنی-عرفی دورکیم			شهروندی فراملی ترنر
			شهروندی دوسویه (دوگانگی ساختاری) گیدنز

## ۹- فرضیات پژوهش

۱- جنس بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. چنین به نظر می‌رسد که زنان از وظایف خود احساس بیشتری دارند، در حالی که مردان از حقوق خود احساس بیشتری دارند.

- ۲- قومیت بر میزان احساس شهروندی تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد قومیت‌هایی که در اکثریت هستند و در جامعه بیشتر نمود دارند بیشتر از اقوام دیگر احساس شهروندی می‌کنند.
- ۳- محل سکونت بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. چنین به نظر می‌رسد که افرادی که در قسمت بالای شهر (مرفه‌نشین) زندگی می‌کنند از حقوق خود و افرادی که در قسمت پایین شهر (حاشیه-نشین) زندگی می‌کنند از وظایف خود احساس بیشتری داشته باشند.
- ۴- شغل بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. به نظر می‌رسد افرادی که شاغل هستند بیشتر از افراد غیر شاغل احساس شهروندی می‌کنند.
- ۵- وضعیت تأهل بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. به نظر می‌رسد متأهلین بیشتر از مجردها احساس شهروندی دارند.
- ۶- تحصیلات فرد بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. چنین به نظر می‌رسد که هر چه تحصیلات فرد افزایش پیدا می‌کند بر میزان احساس شهروندی او نیز افزوده می‌شود.
- ۷- طبقه اقتصادی و اجتماعی خانواده بر احساس شهروندی تأثیرگذار است. هرچه طبقه اقتصادی و اجتماعی خانواده فرد بیشتر باشد وی احساس شهروندی بیشتری دارد.
- ۸- حساسیت سیاسی و مدنی بر میزان احساس شهروندی تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد هرچه فرد بیشتر نسبت به مسائل کشور و شهرش حساسیت داشته باشد احساس شهروندی بیشتری نیز خواهد داشت.
- ۹- تعاملات سیاسی فرد با دیگران بر احساس شهروندی مؤثر است. جوانانی که با دیگران بحث-های سیاسی می‌کنند بیشتر از سایرین احساس شهروندی دارند.
- ۱۰- انگیزش اجتماعی بر احساس شهروندی مؤثر است. جوانانی که از سوی دیگران به انجام کارهای داوطلبانه و عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها تشویق می‌شوند بیشتر احساس شهروندی می‌کنند.
- ۱۱- عام‌گرایی بر احساس شهروندی مؤثر است. جوانانی که دارای عام‌گرایی بیشتری هستند نسبت به سایر جوانان از احساس شهروندی بیشتری برخوردارند.
- ۱۲- نگرش به مشارکت بر احساس شهروندی مؤثر است. هر چه نگرش فرد به مشارکت مثبت‌تر باشد احساس او از حقوق و وظایف شهروندی نیز افزایش پیدا می‌کند.
- ۱۳- معاشرت با افراد مختلف اجتماعی بر احساس شهروندی مؤثر است. هر چه جوان معاشرت بیشتری داشته باشد بر احساس شهروندی او نیز افزوده می‌شود.
۱۴. همکاری با انجمن‌ها و نهادهای مدنی بر احساس شهروندی تأثیر دارد. هر چه فرد در گروه‌ها و انجمن‌های بیشتری عضویت داشته باشد بر احساس او از حقوق و وظایف شهروندی نیز افزوده می‌شود.

## ۱۰- روش پژوهش

برای شناخت موضوع مورد مطالعه یعنی «احساس شهروندی» از روش پیمایشی<sup>۱</sup> استفاده شده است. پس از تهیه پرسشنامه، برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مربوط به موضوعات مورد مطالعه (متغیرها) از تکنیک مصاحبه استفاده گردید. انتخاب تکنیک توصیف و تحلیل داده‌ها به پیچیدگی تحقیق بستگی دارد. در این پژوهش برای توصیف داده‌ها از آماره‌های توصیفی مانند میانگین، میانه، مد و واریانس متناسب با سطح سنجش داده‌ها استفاده شده است. برای تحلیل داده‌ها نیز از آزمون‌های استنباطی مناسب با فرضیات استفاده شده است، مانند آنالیز واریانس، رگرسیون یک‌متغیری، رگرسیون چندمتغیری و مقایسه میانگین‌ها. تحلیل آماری این پژوهش در محیط نرم‌افزار SPSS<sub>13</sub> انجام گرفته است. جامعه آماری در این پژوهش جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله ساکن در شهر بجنورد می‌باشند. که تعداد آنها طبق آمار به دست آمده تقریباً ۳۰۷۳۹ نفر می‌باشند. برای به دست آوردن پیش‌برآورد واریانس متغیر وابسته پژوهش در جامعه پیش‌آزمون انجام شد. این پیش‌آزمون با ۶۰ نمونه به صورت تصادفی ساده در بین مناطق مختلف شهر بجنورد انجام شده است که واریانس ۰/۳۳۷ برآورد گردید. برای مشخص شدن حجم نمونه در این پژوهش از روش نمونه‌گیری کوکران<sup>۲</sup> استفاده شده است. که فرمول آن بدین صورت می‌باشد:

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2}$$

همانطوری که گفته شد تعداد جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله شهر بجنورد ۳۰۷۳۹ نفر بوده‌اند که در این جا به عنوان N قرار می‌گیرند. مقدار ضریب اطمینان در سطح مطلوب ۰/۹۵ درصد ۱/۹۶ می‌باشد و با استفاده از نتایج پیش‌آزمون مقدار واریانس متغیر وابسته ۰/۳۳۷ و مقدار دقت احتمالی را ۰/۰۵۸ قرار داده‌ایم. بنابراین فرمول این گونه می‌شود:

$$n = \frac{(30739)(1/96)^2(0/337)}{(30739)(0/058)^2 + (1/96)^2(0/337)} \cong 380$$

## ۱۱- تعریف مفاهیم اساسی پژوهش

۱۱-۱- جوان<sup>۳</sup>

در این پژوهش نمونه را جوانان ۱۹ تا ۲۹ ساله تشکیل می‌دهند. زیرا جوانان در ایران از سن ۱۸ سالگی تقریباً به تمام حقوق قانونی خود رسیده‌اند و همچنین به وظایفی که باید عمل کنند نیز تقریباً آشنا

- 
- 1- Survey
  - 2- Chochran
  - 3-Young

شده‌اند. خدمت سربازی (وظیفه دفاع از کشور)، در بسیاری از کشورها این امکان وجود دارد که جوانان به جای خدمت نظام وظیفه به خدمات داوطلبانه مشغول شوند که البته در عوض مدت این خدمت افزایش می‌یابد. خدمت نظام وظیفه به عنوان یک وظیفه شهروندی برای دفاع از دولت و حفظ صلح از طریق به نمایش گذاشتن قدرت نظامی محسوب می‌شود (والاس، کلر و کواچوا، سینیکا، ۱۳۸۰، ۳۴)، وظیفه شرکت در انتخابات، حق شرکت در انتخابات، حق انتخاب مذهب، حق داشتن شغل، وظیفه آگاهی از تاریخ و تحولات تاریخی کشور، مسئولیت‌پذیری و موارد دیگر.

در کشوری مثل آلمان که در چهارچوب قانون اداره می‌شود، حقوق و وظایف جوانان در مجموعه‌ای از مقررات و قوانین دیده می‌شوند که در پیوند با جوانان تصویب و اجرا می‌شوند. ساختار این مقررات و قوانین به صورتی است که جوانان به مرور زمان و به تدریج «حقوق جزئی» را کسب می‌کنند. برای نمونه در ۱۲ سالگی آزادی محدود مذهبی به دست می‌آورند، در ۱۴ سالگی آزادی کامل مذهبی کسب می‌کنند، اجازه کسب می‌کنند، تا ساعت ۲۲ شب به سینما و دیدن تئاتر بروند، برخی حقوق را برای انتخاب شغل بدست می‌آورند و به همین صورت برخی «حقوق جزئی» دیگر را نیز کسب می‌کنند. «حقوق جزئی» هر سال گسترش می‌یابند، تا در سن بلوغ کامل، معمولاً ۱۸ سالگی، تقریباً حقوق کامل شهروندی را کسب کنند (والاس، کلر و کواچوا، سینیکا، ۱۳۸۰، ۲۸).

#### ۱۱-۲- شهروندی<sup>۱</sup>

روشه<sup>۲</sup> بیان می‌کند که شهروندی به عنوان یک ایده مهم و استراتژیک در اروپای اواسط قرن بیستم بوده‌است که رویکرد جدیدی برای رفاه و خدمات عمومی در بریتانیای مدرن فراهم می‌کند. به لحاظ نظری شهروندی احساس فرد را به عنوان عضوی از اجتماع توسعه می‌دهد (Farrell, 2000).

مارشال نیز شهروندی را به عنوان «عضوی از اجتماع» تعریف می‌کند. که بر این اساس شهروندی به سه عنصر مدنی، سیاسی و اجتماعی تقسیم می‌شود (De.La.Paz, 2005).

در سال‌های اخیر شهروندی موضوع مهمی در نظریات سیاسی و اجتماعی و همچنین فلسفه، حقوق و بسیاری از علوم انسانی تبدیل شده‌است؛ آن همچنین یک مفهوم اساسی و حیاتی در زندگی بسیاری از مردم عادی می‌باشد (Heisler, 2005, 667).

#### ۱۱-۳- شهروند<sup>۳</sup>

1-Citizenship

2-Roche,M

3-Citizen



شهروند عضو یک جامعه سیاسی می‌باشد که به وسیله مجموعه‌ای از حقوق و وظایف تعریف می‌شود. بنابراین شهروندی روابط میان افراد و دولت را نمایش می‌دهد و این‌که هر دو (دولت و افراد) به- وسیله حقوق و وظایف متقابل به هم وابسته‌اند (De.La.Paz, 2005).

#### ۱۱-۴- احساس<sup>۱</sup>

احساس در این پژوهش در معنای (feeling) به کار رفته است، که عبارت از الگوها، نگرش‌ها و عکس‌العمل‌هایی است که فرد از خود بروز می‌دهد. برای سنجش اعتبار نیز بدین‌گونه عمل شد که پس از تهیه پرسش‌نامه مقدماتی و آزمون پرسش‌نامه به کارشناسان و اساتید ارائه‌شده و تناسب معرف‌ها و پرسش‌ها مطرح‌شده با متغیرهای تحقیق احراز گردید. به منظور اندازه‌گیری قابلیت اعتماد، ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش متغیرهای چندگویه‌ای به کار گرفته شده است. این ضریب برای متغیرهای تحقیق بدین صورت برآورد شد.

جدول ۳- آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق

احساس شهروندی	تعاملات سیاسی	حساسیت سیاسی و مدنی	همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها	انگیزش اجتماعی	نگرش به مشارکت	طبقه اقتصادی و اجتماعی	عام‌گرایی	معاشرت	سازه
۰/۷۹	۰/۷۵	۰/۶۹	۰/۶۸	۰/۶۵	۰/۷۷	۰/۷۳	۰/۶۹	۰/۷۴	آلفای کرونباخ

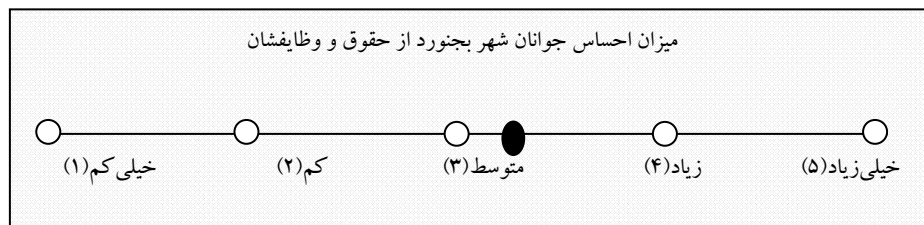
#### ۱۲- یافته‌های تحقیق

##### ۱۲-۱- توصیف جامعه آماری

از تعداد کل پاسخ‌گویان تعداد ۱۸۷ نفر مرد و ۱۹۳ نفر زن بودند. به لحاظ قومیت ۱۶۲ نفر فارس، ۹۲ نفر کرد، ۹۹ نفر ترک و ۲۷ نفر ترکمن بودند. از نظر توزیع منطقه سکونت، به دلیل نبودن آمار از مناطق، به هر یک از مناطق به طور مساوی و به تعداد ۹۵ پرسش‌نامه اختصاص داده شد. ۶۲/۶٪ از افراد نمونه را مجردین و ۳۷/۴٪ را متأهلین تشکیل می‌دادند. میانگین تحصیلات در بین افراد تقریباً ۱۲ بوده که معادل پیش‌دانشگاهی می‌باشد. از نظر وضعیت اشتغال ۴۱/۸٪ شاغل و ۵۸/۲٪ غیرشاغل بودند. درآمد سرانه خانوار بیشتر پاسخ‌گویان ۱۵۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰۰ می‌باشد (۵۶٪) و میانگین تحصیلات افراد بالای ۱۵ سال خانوار نیز ۹/۵ یعنی بین اول دبیرستان و دوم دبیرستان بوده است، بیشترین فراوانی مربوط به ۵ سال، ۱۲ سال و ۱۰ سال تحصیل می‌باشد. میانگین طبقه اقتصادی افراد نمونه ۲/۹۳ بوده که در حد متوسط می‌-

1- Feeling

باشد. میانگین عضویت در انجمن‌ها و گروه‌ها ۱/۲۳ که نزدیک به ۱ یعنی گزینه «خیر» می‌باشد و نشان می‌دهد که جوانان شهر بجنورد به میزان خیلی کم در انجمن‌ها و گروه‌های مدنی مشارکت دارند. میانگین متغیر انگیزش اجتماعی ۳/۱۹ در حد متوسط می‌باشد. این میزان نشان می‌دهد که جوانان شهر بجنورد در حد متوسطی از سوی دیگران به مشارکت در انجمن‌ها و گروه‌ها تشویق می‌شوند. بیشترین تشویق از سوی خانواده به میزان ۳/۷ بوده و کمترین میزان دریافت تشویق از سوی اقوام و آشنایان (۲/۵۹) بوده است. میانگین متغیر معاشرت با دیگران ۳/۲۷ بوده که بیشترین معاشرت با دوستان و به میزان ۳/۸۱ بوده و کمترین میانگین مربوط به معاشرت با همسایگان (۲/۶۳) بوده است. میانگین متغیر عام‌گرایی ۳/۲۹ بوده که از بین گویه‌ها بیشترین میانگین مربوط به گویه نادیده گرفتن کارهای خلاف دوستان و آشنایان به میزان ۳/۹۱ بوده و کمترین مربوط به گویه ترجیح دادن هم‌قوم و هم‌زبان به عنوان همسایه (۲/۷۱) می‌باشد که نشان از گرایش متوسط به بالای پاسخگویان به هویت قومی را می‌دهد. در مقابل نسبت به نادیده گرفتن کارهای خلاف دوستان و آشنایان حساس می‌باشند. در مورد حساسیت سیاسی و مدنی میانگین پاسخ به سؤالات مربوط به این متغیر ۳/۳۳ و در حد متوسط به بالا می‌باشد که نشان می‌دهد پاسخ‌گویان حساسیت نسبتاً زیادی به پیگیری اخبار و مسائل مربوط به کشور و شهر دارند، در این میان حساسیت نسبت به مسائل شهر بیشتر از حساسیت نسبت به مسائل عمومی و سیاسی کشور می‌باشد. میانگین تعاملات سیاسی فرد با دیگران ۲/۸ در حد تقریباً متوسط است. بیشترین تعاملات سیاسی پاسخگویان در خانواده (۳/۳۳) و کمترین آن با احزاب و گروه‌های سیاسی (۲/۰۷) بوده است. میانگین نگرش افراد به مشارکت (۳/۶۵) و در حد متوسط به بالا می‌باشد. این میزان نشان می‌دهد که نگرش جوانان به مشارکت تقریباً زیاد بوده است. در این تحقیق همچنین میزان احساس شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد اندازه‌گیری شد که میزان آن (۳/۳۷) به دست آمده است که در حد متوسط می‌باشد. طیف زیر میزان احساس شهروندی در بین جوانان شهر بجنورد را بهتر نشان می‌دهد.



## ۱۲-۲- آزمون فرضیه‌های پژوهش

اولین فرضیه این بود که بین زنان و مردان به لحاظ احساس شهروندی اختلاف معنی‌داری وجود دارد. آزمون این فرضیه نشان داد که زنان نسبت به وظایف خود احساس بیشتری دارند و در مقابل مردان

نسبت به حقوق خود احساس بیشتری دارند، این فرضیه از آزمون رد عبور کرده و رد نمی‌شود. در تحقیق ملیحه شیانی در مورد وضعیت شهروندی در استان لرستان مردان هم از نظر حقوق و هم وظایف شهروندی آگاهی بیشتری نسبت به زنان داشتند. ولی در جامعه مورد مطالعه این پژوهش (جوانان شهر بجنورد) زنان نسبت به مردان احساس مسئولیت بیشتری داشته‌اند.

بین اقوام مختلف از نظر احساس شهروندی اختلاف معنی‌داری وجود دارد. در این فرضیه اختلاف بین ترکمن‌ها و سایر اقوام معنی‌دار می‌باشد، یعنی در بین اقوام مختلف جامعه مورد مطالعه ترکمن‌ها احساس کمتری در مقابل سایر اقوام نسبت به حقوق و وظایف شهروندی خود داشته‌اند. اختلاف بین ترک‌ها و فارس‌ها نیز معنی‌دار می‌باشد. ولی این معنی‌داری (۰/۰۴۷) طوری نیست که بتوان به آن اطمینان کرد و ممکن است عوامل دیگری دخیل باشند. این فرضیه نیز از آزمون رد عبور کرده و رد نمی‌شود. بنابراین می‌توان این‌طور گفت، اقوامی که در اقلیت قرار دارند از احساس شهروندی کمتری برخوردارند. در نمودار تحلیل مسیر ترکمن‌بودن بر روی عام‌گرایی نیز تأثیرگذار بوده (۰/۱۰۵-)، یعنی افراد با قومیت ترکمن دارای عام‌گرایی کمتری نسبت به اقوام دیگر بوده و این به دلیل مشارکت کمتر آنها در جامعه می‌باشد (تا کنون هیچ فردی با قومیت ترکمنی در شورای شهر یا نمایندگی ثبت‌نام نکرده است).

محل سکونت فرد بر میزان احساس شهروندی تأثیرگذار است. این فرضیه رد شد. یعنی بین مناطق مختلف شهر بجنورد به لحاظ احساس شهروندی اختلاف معنی‌داری دیده نمی‌شود. دلیل این امر شاید به خاطر کوچک‌بودن شهر و ارتباط اقشار مختلف با یکدیگر باشد.

شغل بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. یعنی شاغلین از احساس شهروندی بیشتری برخوردارند. این فرضیه از آزمون رد عبور می‌کند. میانگین احساس شهروندی در بین شاغلین ۳/۵۱ و در بین غیر شاغلین ۳/۲۷ می‌باشد. پس می‌توان گفت افراد شاغل احساس بیشتری از حقوق و وظایف شهروندی خود دارند. به نظر می‌رسد افراد شاغل به دلیل تبادلاتی که در محیط کار با افراد مختلف دارند احساسشان بیشتر می‌شود.

وضعیت تأهل بر میزان احساس شهروندی تأثیرگذار است. متأهلین بیشتر از مجردین احساس شهروندی دارند. این فرضیه از آزمون رد عبور کرده و رد نمی‌شود. این تحقیق نشان می‌دهد که متأهلین احساس بیشتری از حقوق و وظایف خود دارند. میانگین احساس شهروندی در بین متأهلین ۳/۵۲ و در بین مجردین ۳/۲۹ می‌باشد. به نظر می‌رسد متأهلین به دلیل مسئولیت‌پذیری بیشتری که دارند، احساس شهروندی بیشتری دارند.

فرضیه ششم بیان می‌کند که تحصیلات فرد بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. این فرضیه نیز از آزمون رد عبور می‌کند. مدل رگرسیون مربوط به این متغیر نشان می‌دهد که این متغیر به تنهایی

۱۶/۳ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند. بتا (۰/۰۶۶) نیز نشان می‌دهد که هر چقدر بر تحصیلات فرد افزوده شود احساس او از شاخص‌های شهروندی نیز افزایش می‌یابد.

فرضیه هفتم بیان می‌کند که بین طبقه اقتصادی و اجتماعی خانواده فرد و احساس او از شاخص‌های شهروندی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. این فرضیه نتوانست از آزمون رد عبور کند و رد می‌شود، یعنی بین طبقه اقتصادی و اجتماعی خانواده فرد و احساس او از شاخص‌های شهروندی ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

حساسیت سیاسی و مدنی بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. چنین به نظر می‌رسد جوانانی که بیشتر به مسائل و اخبار سیاسی و عمومی شهر و کشور حساس هستند از احساس شهروندی بیشتری برخوردار خواهند بود. این فرضیه از آزمون رد عبور می‌کند، یعنی بین حساسیت سیاسی و مدنی فرد و احساس شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. جوانانی که اخبار و مسائل مربوط به کشور و شهرشان را پیگیری می‌کنند احساسشان نسبت به حقوق و وظایفشان نیز بیشتر است. این متغیر به تنهایی ۱۴/۳ درصد از متغیر وابسته تحقیق را تبیین می‌کند. بتا نیز ۰/۲۴۶ است که نشان از رابطه مستقیم بین این دو متغیر دارد. حساسیت سیاسی و مدنی همچنین در تحلیل مسیر بر روی متغیرهای همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها و عام‌گرایی نیز تأثیر می‌گذارد. یعنی افزایش آگاهی فرد در زمینه اخبار و مسائل مربوط به کشور باعث می‌شود که عام‌گرایی فرد و همچنین عضویت وی در انجمن‌ها و گروه‌ها افزایش یابد.

تعاملات سیاسی فرد بر احساس شهروندی تأثیر می‌گذارد. این فرضیه از آزمون رد عبور می‌کند. این متغیر به میزان ۰/۰۷۲ در صد از متغیر وابسته ما را تبیین می‌کند. جهت این رابطه مستقیم می‌باشد، یعنی هر چقدر تعاملات سیاسی فرد افزایش یابد، احساس شهروندی او نیز بیشتر می‌شود. با این که این متغیر در رگرسیون تک‌متغیره در ارتباط با متغیر وابسته معنی‌دار می‌باشد، ولی در رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر جایی ندارد، این امر به دلیل این است که متغیری که تبیین کمتری از متغیر وابسته را انجام می‌دهد وقتی در ارتباط با متغیرهای دیگری که تبیین بیشتری از متغیر وابسته را به عمل می‌آورند قرار می‌گیرد از مدل کنار گذاشته می‌شود.

فرضیه ۱۰ بیان می‌کند که بین انگیزش اجتماعی و میزان احساس شهروندی رابطه وجود دارد. این فرضیه از آزمون رد عبور می‌کند، یعنی بین انگیزش اجتماعی (دریافت تشویق از سوی دیگران برای مشارکت در جامعه) و میزان احساس شهروندی ارتباط معنی‌داری وجود دارد، جوانانی که بیشتر از سوی دیگران به مشارکت در جامعه تشویق می‌شوند از احساس بیشتری نسبت به شاخص‌های شهروندی برخوردار می‌باشند. این متغیر به تنهایی ۱۹/۲ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جهت دو متغیر نیز مستقیم می‌باشد. متغیر انگیزش اجتماعی همچنین بر همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها و عام‌گرایی نیز تأثیر می‌گذارد، یعنی هر چقدر فرد انگیزش بیشتری رادریافت کند درانجمن‌های بیشتری عضو می‌شود و بر عام‌گرایی وی نیز افزوده می‌شود.

عام‌گرایی بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. هر چه فرد عام‌گرایی بیشتری داشته باشد، بر احساس او نیز افزوده می‌شود. این متغیر به تنهایی ۱۷/۹ درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده‌است.

بتا (۰/۲۲۲) نیز نشان می‌دهد که رابطه بین دو متغیر مستقیم می‌باشد. یعنی هر چقدر بر عام‌گرایی فرد افزوده شود احساس شهروندی او نیز زیاد می‌شود.

هر چقدر نگرش فرد به مشارکت مثبت‌تر باشد، میزان احساس او از شاخص‌های شهروندی نیز بیشتر می‌شود. رابطه بین این متغیر و متغیر وابسته معنی‌دار می‌باشد.

پس این فرضیه از آزمون رد عبور می‌کند. این متغیر ۶/۶ درصد از متغیر وابسته را تبیین کرده و بتای مربوط به آن نیز نشان داده که رابطه بین دو متغیر مستقیم می‌باشد.

مدل تحلیل مسیر نشان می‌دهد که نگرش به مشارکت بر روی عام‌گرایی فرد نیز تأثیر می‌گذارد، یعنی وقتی نگرش فرد به مشارکت مثبت‌تر باشد میزان عام‌گرایی او افزایش می‌یابد.

معاشرت با افراد بر میزان احساس فرد از حقوق و وظایف شهروندی مؤثر است. مدل رگرسیون این متغیر نشان می‌دهد که معاشرت با دیگران بر میزان احساس از شاخص‌های شهروندی تأثیرگذار است و ۱۰/۳ درصد از متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

بتا نیز نشان می‌دهد که رابطه دو متغیر مستقیم می‌باشد، یعنی هر چقدر فرد با دیگران معاشرت بیشتری داشته باشد بر میزان احساس او از حقوق و وظایف شهروندی نیز افزوده می‌شود. همکاری با انجمن‌ها و گروه‌های مدنی بر میزان احساس شهروندی مؤثر است.

این متغیر نیز از آزمون رد عبور می‌کند، یعنی همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها بر میزان احساس شهروندی مؤثر است. هر چقدر فرد همکاری بیشتری درانجمن‌ها و گروه‌ها داشته باشد، احساس او از شاخص‌های شهروندی نیز زیاد می‌شود. این متغیر به تنهایی ۱۹/۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

بتا برای این متغیر ۱/۰۰۴ می‌باشد که نشان می‌دهد رابطه بین دو متغیر مستقیم می‌باشد. همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها همچنین بر روی عام‌گرایی نیز تأثیر دارد، یعنی هر چه فرد بیشتر در انجمن‌ها و گروه‌ها همکاری داشته باشد، عام‌گرایی وی نیز بیشتر می‌شود. در رگرسیون چندمتغیره معادله رگرسیون تأثیر متغیرهای مستقل بر روی وابسته را این‌گونه نشان می‌دهد.

جدول ۴- خلاصه مشخصات مدل رگرسیون

Model Summary

Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate
1	.446	.199	.197	.39704
2	.542	.293	.289	.37340
3	.595	.354	.349	.35752
4	.635	.403	.397	.34406
5	.660	.436	.428	.33491
6	.678	.460	.451	.32812
7	.689	.475	.465	.32412
8	.698	.487	.476	.32079
9	.703	.495	.482	.31867

جدول ۵- ضرایب رگرسیون در مدل نهایی

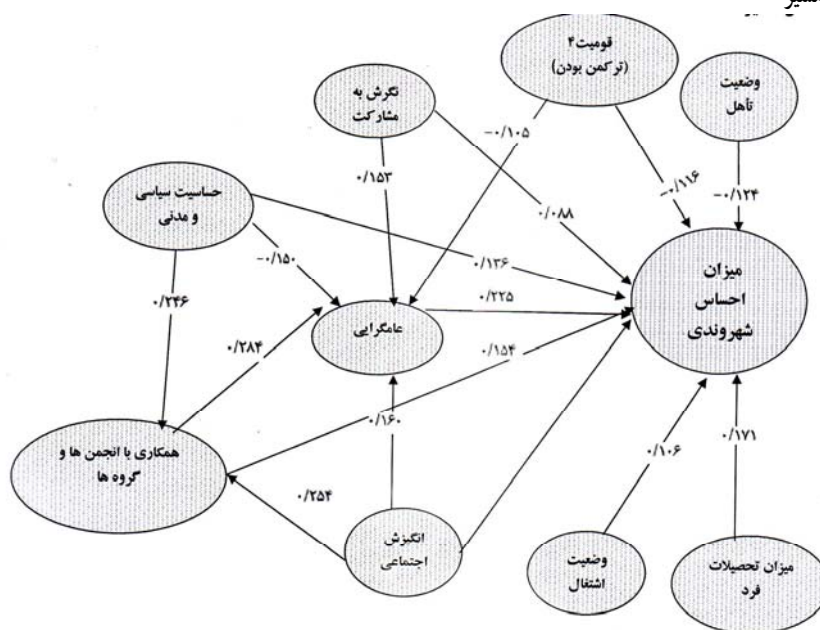
9	(Constant)	1.294	.150		8.622	.000
	همکاری با نخبین ها و لزوم ها	.393	.097	.174	4.037	.000
	انگیزش اجتماعی	.124	.028	.187	4.490	.000
	عام‌گرایی	.117	.022	.224	5.451	.000
	میزان تحصیلات	.028	.007	.171	4.260	.000
	حساسیت سیاسی و مدنی	.100	.027	.154	3.706	.000
	وضعیت ناهل	-.116	.036	-.127	-3.267	.001
	قومیت 4	-.204	.065	-.118	-3.138	.002
	وضعیت اشتغال	.097	.035	.109	2.807	.005
	نگرش به مشارکت	.052	.021	.095	2.441	.015

بر اساس جداول بالا می‌توان مدل رگرسیون برای متغیرهای پژوهش را این‌گونه بیان کرد:

میزان احساس شهروندی =  $1/29 +$  همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها ( $0/393$ ) + انگیزش اجتماعی ( $0/124$ ) +  
عام‌گرایی ( $0/117$ ) + میزان تحصیلات ( $0/028$ ) + حساسیت سیاسی و مدنی ( $0/100$ ) + وضعیت تأهل ( $-0/116$ ) +  
قومیت 4 ( $-0/204$ ) + وضعیت اشتغال ( $0/097$ ) + نگرش به مشارکت ( $0/052$ ).

این پژوهش نشان داد که میزان احساس شهروندی تابعی از عوامل و ویژگی‌های فردی، حضور در عرصه عمومی، نگرش فرد به مشارکت، انگیزش اجتماعی، عام‌گرایی، حساسیت سیاسی و مدنی می‌باشد.

## تحلیل مسیر



## ۱۳- نتیجه گیری

در این قسمت می‌توان به سؤالات اولیه تحقیق پاسخ داد. سؤالات این تحقیق عبارت بودند از:

۱. میزان احساس جوانان شهر بجنورد از شاخص‌های شهروندی به چه میزان است؟

۲. چه عواملی بر میزان احساس جوانان شهر بجنورد از شاخص‌های شهروندی مؤثر می‌باشند؟

در جواب به سؤال اول با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان این‌را گفت که میزان احساس جوانان شهر بجنورد از حقوق و وظایفشان در حد متوسط و به میزان (۳/۳۷) در طیف ۵ قسمتی) می‌باشد. برای پاسخ به سؤال دوم نیز پس از آزمون فرضیه‌ها در قسمت یافته‌ها تحقیق مشخص شد که متغیرهای جنسیت، عام‌گرایی، حساسیت سیاسی و مدنی، همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها، تحصیلات فرد، اشتغال، تاهل، قومیت، نگرش به مشارکت، انگیزش اجتماعی در جامعه مورد مطالعه بر احساس شهروندی تأثیرگذار می‌باشند. در این بین متغیرهای مستقل نیز در مدل تحلیل مسیر مشخص شد که بر روی یکدیگر تأثیر داشته‌اند. متغیرهای همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها، قومیت، نگرش به مشارکت، انگیزش اجتماعی، حساسیت سیاسی و مدنی بر روی متغیر عام‌گرایی تأثیرگذار بوده‌اند. متغیرهای انگیزش اجتماعی و

- حساسیت سیاسی و مدنی نیز بر روی همکاری با انجمن‌ها و گروه‌ها مؤثر بوده‌اند. با توجه به نتایج می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:
۱. برای تحقق شهروندی نگرش‌ها و ایستارهای مناسب ضروری است. شهروندی محصول جامعه‌ای است که در آن هویت افراد نه بر اساس شبکه‌های قومی، قبیله‌ای و طایفه‌ای، بلکه بر محور ارزش‌ها و معیارهای عام تعیین شوند. این نگرش به معنای رفع تفاوت‌ها نیست، بلکه شناخت و حمایت از تنوع‌ها، با توجه به حقوق همه افراد و بدون محوریت هویت‌های خاص باید مدنظر قرار گیرد.
  ۲. شهروندی در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که افراد نگرش مثبت به مشارکت داشته باشند. زیرا دموکراسی بر مبنای مشارکت افراد می‌باشد. در کنار این رویکردها، ارزیابی و اولویت‌ها بایستی به سمت مسائل و اهداف جمعی میل کند.
  ۳. مدارس در زمینه آموزش شهروندی به دانش‌آموزان و آماده‌کردن آنها برای زندگی آینده‌شان برنامه‌ریزی‌های دقیقی باید انجام دهند.
  ۴. شهرداری با نسب تابلوها و پلاکاردهایی در زمینه شهروندی می‌تواند به افزایش احساس شهروندی و به تناسب آن تحقق شهروندی کمک کند.
  ۵. زمینه‌های لازم برای عضویت جوانان در انجمن‌ها و گروه‌های داوطلبانه فراهم شود.

#### فهرست منابع

۱. براتعلی‌پور، مهدی، ۱۳۸۴، شهروندی و سیاست نو فضیلت‌گرا، انتشارات تمدن ایرانی، تهران.
۲. ترنر، برایان. اس، ۱۳۸۴، زوال شهروندی، فصلنامه اقتصاد سیاسی.
۳. توسلی، غلام‌عباس و نجاتی حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۳، واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران.
۴. جمشیدیان، مهدی و غلامی، کرین، محمود، ۱۳۸۵، سبک نگارش APA (ای. پی. ای)، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان، اصفهان.
۵. دواس، دی.ای، ۱۳۸۴، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، نشر نی، تهران.
۶. ذکائی، محمدسعید، ۱۳۸۲، جوانان، شهروندی و ادغام اجتماعی، فصلنامه مطالعات جوانان.
۷. سپهری، علی، ۱۳۸۴، جامعه مدنی، سه مرحله مختلف شهروندی، نشریه ایران فردا.
۸. سرایی، حسن، ۱۳۷۵، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، انتشارات سمت، تهران.
۹. شفرز، برنارد، ۱۳۸۳، مبانی جامعه‌شناسی جوانان، نشر نی، تهران، چاپ اول.



۱۰. شیبانی، ملیحه، ۱۳۸۴، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی.
۱۱. شیبانی، ملیحه، ۱۳۸۱، تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در استان لرستان، مجله جامعه‌شناسی
۱۲. عاملی، سعیدرضا، ۱۳۸۰، تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین، نامه علوم اجتماعی.
۱۳. فالکس، کیث، ۱۳۸۱، شهروندی، انتشارات کویر، تهران، چاپ اول.
۱۴. فتحی و اجارگاه، کوروش و دیبا و اجاری، طلعت، ۱۳۸۱، تربیت شهروندی، انتشارات فاخر، تهران.
۱۵. فیتزپتریک، تونی، ۱۳۸۱، نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟، انتشارات گام نو، تهران، چاپ اول.
۱۶. کاستلز، استفان و دیویدسون، آلیستر، ۱۳۸۲، مهاجرت و شهروندی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۷. کیویستیو، پیتر، ۱۳۸۴، اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، نشر نی، تهران، چاپ اول.
۱۸. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۴، جامعه‌شناسی، نشر نی، تهران.
۱۹. مؤسسه بین‌المللی دموکراسی و مساعدت انتخاباتی ۱۹۹۹، ۱۳۸۰، مشارکت رأی‌دهی جوانان: دخیل - ساختن جوانان امروز در دموکراسی فردا، نشر روناس، تهران، چاپ اول.
۲۰. نجاتی حسینی، سیدمحمود، ۱۳۸۰، بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری‌های ایران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
۲۱. نش، کیت، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، کویر، تهران، چاپ اول.
۲۲. والاس، کلر و کواچوا، سینیکا، ۱۳۸۰، جوانان در جامعه: شکل‌گیری و فروپاشی جوانی در اروپای شرقی و غربی، اسپید، تهران، چاپ اول.

23. De.La.Paz, Gabriel.(n.d).(2005)Citizenship Identity and Social Inequality.

24. Farrell,m,Gatherine.(2000).Citizen Participation in Governance.money & management. march,31-37.

25. Heisler, Martin.O.(2005).Introduction-Changing Citizenship Theory and Practice: Comparative Perspectives in a Democratic Framework.

26. Hussain,Yasmin & Bagguley,Paul.(2005). Citizenship,Ethnicity and Identity.

- 
27. Marshal, T.H(1994). Citizenship and Social Class.chap in B.S.Turner. Citizenship,Routledge,2,chap29.
28. Turner, Bryan.S.(1990). Outline of the Theory of Citizenship. sociology, 24(2).